

مبانی حسن معاشرت به معروف در نظام حقوقی خانواده از منظر قرآن کریم^۱

دکتر فائزه عظیم زاده اردبیلی^۲

مربی آموزشی دانشگاه امام صادق علیه السلام

چکیده

قرآن کریم اصل حسن معاشرت را اصل حاکم بر روابط زوجین می‌داند و ۳۹ آیه در قرآن لفظ «معروف» را که نماد معاشرت زوجین در کانون خانواده می‌باشد، تکرار می‌نماید. اصل معروف موازنه‌ای را در نظام خانوادگی برقرار می‌سازد و معاشرت به معروف، معاضدت و تشیید همان چیزی است که قوانین جمهوری اسلامی ایران زوجین را ملزم به رعایت آن می‌نماید. اساسی‌ترین سؤال در طرح حسن معاشرت زوجین این است که جایگاه و مصادیق اصل حسن معاشرت در قرآن کریم چگونه تبیین شده و چه آثار حقوقی دارد؟ حسن معاشرت تبلور حاکمیت اصل معروف در زندگی است که مایه استحکام بنیان خانواده می‌باشد. عمل به معروف در تمامی ارتباطات زوجین و حتی نحوه ارتباط والدین با کودک سایه انداخته است. از مصادیق اصل معروف در نظام حقوقی خانواده می‌توان تأمین نفقه زوجه و طفل، رعایت معروف در حین طلاق و پرداخت حقوق زوجه بعد از طلاق، عمل به معروف و رعایت حسن معاشرت از سوی زوج و زوجه را که در تحکیم مبانی خانواده نقش بسزایی دارد، نام برد و از آنجا که خانواده مهم‌ترین تجلی‌گاه اصل معروف می‌باشد، خداوند متعال زوجین را به رعایت این اصل توصیه می‌نماید و همواره ایشان را به کسب فضایل در روابط مشترک دعوت می‌نماید.

واژگان کلیدی

حسن معاشرت، معاضدت، تشیید، اصل معروف، زوجین، عرف، احسان

۱- پذیرش مقاله: ۸۷/۳/۲۷؛ ارزیابی: ۸۷/۴/۱۰

۲- معاون پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام واحد خواران

خانواده در منظر قرآن کریم نهاد مقدسی است بر پایه ازدواجی سالم که از آن به «میثاق غلیظ» یاد می‌شود؛ استوار شده است. بنیاد جامعه قرآنی بر خانواده و نقش آن نهاد شده و از این رو، خانواده مرکز تربیت، انسان‌سازی و مأمونی برای رسیدن به تکامل انسانی است. خانواده در شریعت نبوی حرم امنی است که محارم در سایه امنیت و سکون در آن گرد هم می‌آیند تا سینه‌های سرشار از عشق و محبت را در سایه پیوند اعضای آن، نثار یکدیگر نمایند و بذر شادابی و نشاط را در این بوستان بپاشند. از این رو اساس خانواده بر مبنای اصل مودت و رحمت و تفاهم متقابل جهت رشد و بالندگی و تقویت و تکامل انسانی شکل گرفته است.

مفهوم و مصادیق عرف

واژه عرف در لغت معانی متعددی دارد، از جمله به معنای، تتابع، اتصال، آرامش، سکون و... آمده است؛ اما معنای مورد نظر ما طبق موضوع مقاله، شامل امری است که میان مردم معمول و متداول باشد، خواه امر شناخته شده از امور تکوینی باشد مانند زمین بلند که از دور بتوان آن را شناخت، یا از نوع آداب و رسوم و عادات شایع میان مردم، که برای آنها شناخته شده باشد (ابن‌فارس، ۱۴۰۴ هـ ج ۴، ص ۲۸۱؛ دهخدا، ۱۳۵۸، ذیل عرف، ص ۵۸۰).

طبق معنای لغوی، مواردی شامل عرف می‌شود که اولاً - جستجو برای شناسایی آن ضرورت ندارد، بلکه خود آشکار و هویداست؛ ثانیاً - فرد خاصی برای ایجاد آن تلاش نکرده است؛ بلکه جامعه در سیر تطور تاریخی خود آن را به دست آورده است و قابل فهم همگان است. تعاریف متعددی از «عرف» در آرای اندیشمندان مسلمان به عمل آمده که اهم آن عبارتند از:

۱- **شیخ طبرسی:** عرف ضد نکر است، عرف مثل معروف و عارف است و آن هر خصلت ستوده شده‌ای است که عقل درستی آن را تأیید می‌کند و نفس به آن

۱- وَأَخَذْنَا مِنْهُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا (نساء، ۱۵۴)

اطمینان می‌یابد (طبرسی، ۱۴۱۵هـ.ج، ص ۵۱۲).

۲- محمد غزالی: عرف و عادت اموری هستند که از عقول مردم سرچشمه گرفته‌اند و سرشت‌های سالم پذیرای آن می‌باشند (مبارک، بی‌تا، ص ۲۸۰).

۳- علامه طباطبایی: «عرف هر امری است، که مردم در مجتمع خود آن را بشناسند و آن را انکار نکنند» (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۴، ص ۴۰۴).

بنابراین از تعاریف فوق نکاتی را درمی‌یابیم: ۱- عرف جنبه اجتماعی دارد و توسط توده مردم شکل می‌گیرد؛ ۲- عرف مورد قبول جامعه، باید از سرشت و طبیعت سالم افراد آن جامعه نشأت گرفته باشد؛ ۳- عرف به عنوان خصلت ستوده شده نزد مردم، از حکم عقل بیگانه نیست. معروف همچنین به معنای عملی که افکار عمومی آن را بشناسند و با آن مأنوس باشند، تعریف شده و به عبارت دیگر، معروف همان چیزی است که متضمن هدایت عقل، حکم شرع، فضیلت و سنت‌های حسنه است و چون اسلام شریعت خود را بر اساس خلقت و فطرت بنا نهاده، پس معروف همان چیزی است که مردم، آن را معروف بدانند؛ البته مردمی که از راه فطرت دور نشده‌اند (همو، ۱۳۹۴هـ.ج، ص ۲۴). عملی که در جامعه، به صورت خوی و رفتار عادی درآمده و مورد قبول عامه مردم قرار گرفته، ممکن است متعادل باشد و یا راه افراط و تفریط ببیماید. در جایی که عرف، بیانگر رفتار و عمل پسندیده عموم مردم باشد و با فطرت انسان منطبق باشد، مصادیق عرف و معروف با هم یکی می‌گردد و مهم‌ترین شرط تحقق انطباق با معروف این است که جامعه، از عوامل تشنج‌زا دور باشد. در نتیجه انطباق عرف با معروف را چنین می‌توان توضیح داد که، عمل مطابق با عرف یا معروف آن است که شریعت آن را مشخص نکرده، بلکه قابلیت‌های موجود در هر جامعه‌ای، تعیین‌کننده آن است؛ البته جامعه‌ای که از سلامت فکری برخوردار است. لیکن وقتی در شریعت به معروف، امر شده، فراتر از معمول را خواهان است که عبارت از خصلت‌های ستوده شده مردمی است. عرف و معروف با حکم عقل بیگانه نیست، لیکن شناسایی معروف لازم است چرا که هر عملی که میان مردم رواج دارد، معروف

نیست. پس باید گزاره‌های مهم معروف را شناخت که در این صورت شناسایی معروف بسیار سهل می‌گردد. یکی از گزاره‌های آن منطبق بودن با فطرت سلیم مردم می‌باشد و گزاره دیگر که به شناخت بهتر معروف می‌انجامد، فطرت و گرایش الهی است که دارای صبغه الهی باشد.

لذا برای تشخیص مصادیق معروف نه تنها باید به گرایش‌های انسانی توجه کرد، بلکه باید جهت آن نیز به سمت فراهم آوردن رضایت خداوند باشد. در نتیجه آن معروفاتی که در شریعت اسلام از آنها یاد شده، نه تنها به عمل مقبول مردم طبق اقتضائات زمان و مکان توصیه می‌کند، بلکه با رویکردی معنوی که دارای محبت الهی است، به اجرای عمل پسندیده اشاره می‌کند و این روش قرآن است که زوایای شرعی معروف را مشخص کرده و تبیین معروف را در مورد حقوق متقابل زوجین بر عهده عقل اجتماعی (قانون‌گذاران اجتماعی) گذاشته است، تا برخورد شایسته مرد و زن را در هر یک از موضوعات مقید به معروف در لسان قرآن، مطابق شرایط اجتماعی خود تدوین نموده و ضمانت اجرایی آن را فراهم آورد.

از جمله علامه طباطبایی برای تشخیص معروف در جامعه فرموده است: فطرت به مقتضای خلقت است که امری بدیهی و دست یافتنی است و تمایلات و احکام فطری همگانی و عمومی‌اند و نیاز به آموزش ندارند. بنابراین هر عملی که مطابق روش معمول مردم باشد، مطابق فطرت و معروف است و امر دیگری مورد نیاز نیست.

در نظام حقوقی خانواده، عمل به معروف یک اصل فقهی - حقوقی و یک حکم اخلاقی می‌باشد. عمل به معروف نوعی عمل به تکلیف است؛ به عبارت دیگر، معروف ضابطه و ملاکی برای تعیین و تشخیص تکلیف است؛ زیرا بدون رعایت جنبه‌های اخلاقی نمی‌توان سعادت خانواده را تأمین و تضمین نمود. آیات مربوط به حسن معاشرت به معروف درصدد تأسیس یک اصل فقهی - حقوقی هستند که بر تمامی روابط زوجین سایه افکننده و ضابطه و ملاک تشخیص برای تعیین

حقوق و تکالیف باشد. آیه شریفه «...وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ...» (بقره، ۲۲۸)، مؤید مسأله فوق است؛ زیرا ملاک تعیین حقوق متقابل زوجین است. فقها نیز در مصادیق مختلف بدان استناد نموده‌اند.^۱ اینک به مفهوم دقیق‌تر حسن معاشرت در قرآن کریم می‌پردازیم.

مفهوم حسن معاشرت به معروف

از نظر قرآن کریم، اساسی‌ترین اصل در رفتار و تعامل بین زوجین، معاشرت به معروف است که صریحاً در آیه ۱۹ سوره نساء به آن اشاره شده است.^۲ ما در این مجال به بررسی مفهوم حسن معاشرت در آیات قرآنی می‌پردازیم. معاشرت به دلیل ساختار واژگانی - باب مفاعله - از مفاهیم اجتماعی و دوسویه است که هرگاه قید و پسوندی بدان افزوده نشود، گزینه‌های چندی در آن جای می‌گیرد؛ معاشرت مردان با مردان، زنان با زنان، مردان با زنان در جامعه و مردان با زنان در درون خانواده که مهم‌ترین آنها گزینه اخیر است.

اگر موضوع معاشرت با پسوند خانواده مورد نظر و محل گفت‌وگو باشد، مثل آیه ۱۹ سوره نساء، به این معنی است که معاشرت به معروف، تنها ملاک رفتاری برای مردان نیست و مقصود از «وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» هم زمان تعیین ملاک و مبنای رفتار شوی با زن و زن با شوی خویش است؛ پس مردان و زنان در رفتار متقابل خانوادگی و زناشویی از این زاویه که هر دو باید طبق معروف رفتار کنند، همسان و برابرند. آیه ۲۲۸ بقره^۳ نیز به گونه‌ای صریح و ظایف، حقوق و آداب معاشرت متقابل مرد و زن در درون خانواده را برابر و همانند می‌شمارد و معیار آن را معروف معرفی می‌کند. نصوص روایی و سنت نیز معروف را بر همین معنی می‌شمارند. رسول اکرم ﷺ در خطبه حجه‌الوداع فرمود: «شما را بر زنان

۱- جهت مطالعه بیشتر بنگرید به: طوسی، ۱۳۷۸، ج ۶، ص ۴-۸.

۲- عاشرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ.

۳- وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ.

حقی است؛ همان‌گونه که ایشان را بر شما حقی است. از حقوق شما بر زنان است که نگذارند بر فراش شما کسی پاگذارد و زنان در آنچه معروف است از شما اطاعت کنند. هر گاه این حقوق از ناحیه زنان انجام شود بر شما است که خوراک و پوشاک ایشان را طبق متعارف تأمین کنید»^۱ (زحیلی، ۱۴۱۱ هـ ج ۴، ص ۳۰۳).
در تفسیر المنار می‌خوانیم:

«در مفهوم معاشرت مشارکت و برابری نهفته است، یعنی ای مردان با زنان بر اساس متعارف رفتار کنید! و زنان نیز می‌باید با مردان بر پایه معروف معاشرت داشته باشند» (رشیدرضا، ۱۹۹۵ م، ج ۴، ص ۴۵۶).

وهبه زحیلی از قرآن پژوهان و مفسران معاصر، به هنگام برشماری حقوق شوهر بر زن، از حقوق برخورد و معاشرت به معروف یاد می‌کند (زحیلی، ۱۴۱۲ هـ ج ۳، ص ۲۲۷-۲۳۰).

جایگاه حسن معاشرت در روابط زناشویی در قرآن کریم

واژه معروف ۲۸ بار در قرآن آمده که ۱۹ مورد آن به موضوع معاشرت مردان با زنان در محیط خانواده پرداخته و معروف را ضابطه و قانون کلی در معاشرت و روابط خانوادگی قرار داده است.^۲

از نگاه قرآن هر نوع رفتاری که در چارچوب معروف جای گیرد، بایسته و ستوده و هر رفتاری که از این دایره بیرون باشد، ناپسند و نکوهیده است. قرآن مجید درباره رابطه زناشویی تعبیراتی جالب دارد. از جمله در آیه ۲۱ سوره روم، هدف از ازدواج را، کسب سکینه و آرامش زوجین از یکدیگر دانسته و تصدیق می‌کند که میان شما، رحمت و مودت قرار دادیم، تا بدین‌وسیله زمینه ایجاد

۳- و لکم علیهن حق و لهن علیکم حق، و من حکم علیهن ان لایوطئن فراشکم احداً و لایبصینکم فی معروف، و اذا فطن ذلک فلهن رزقهن و کسوتهن بالمعروف.

۱- نیز بنگرید به: بقره، ۲۲۹-۲۳۱.

آرامش را به مخاطبین بازشناساند.^۱

در آیه یاد شده، خانواده، بر مبنای اصل «مودت و رحمت»، حفظ آرامش و سکون، تفاهم و ایجاد زمینه رشد و بالندگی و ارتقای مطلوب و تقویت و تکمیل هر یک از زن و شوهر توسط دیگری شکل گرفته است. لذا هر گونه عملی که موجب القای تشویق و نگرانی، نابسامانی، اندوه، کینه و نفرت در خانواده باشد، از دیدگاه آفریدگار هستی، مذموم و مطرود شمرده شده است.

زن و مردی که به اختیار و اراده خویش با هم پیمان زناشویی می‌بندند، با تشکیل خانواده در جهت کسب سکینه و آرامش، اقدام می‌کنند. اما تشکیل خانواده به تنهایی کافی نیست؛ بلکه هر یک از افراد خانواده جدید در جهت حفظ اهداف خانواده و به منظور نیل به آرمان‌های مذکور، وظایف و مسؤولیت‌هایی را بر عهده دارند. کسب آرامش و همدلی، تربیت فرزندان صالح و بقای خانواده «نوع خاصی» از رفتار زوجین با یکدیگر را طلب می‌کند که در اصطلاح به آن «حسن» گفته می‌شود.

رسول گرامی اسلام ﷺ در این خصوص فرموده است: «کامل‌ترین مؤمنان از حیث ایمان، خوش‌خلق‌ترین آنهاست. و شایسته‌ترین شما، آنهایی است که با زنده‌ای خویش خوش‌رفتارند»^۲ (پابنده، ۱۳۶۴، ش ۱۴۷۷).

آن حضرت در مورد خوش‌رفتاری زنان در منزل نیز فرموده‌اند: «جهاد زن خوب شوهرداری کردن است»^۳.

حسن معاشرت مفهوم قرآنی است که از آیه ۱۹ سوره نساء و از عبارت «عاشروهن بالمعروف» گرفته شده است، یعنی با همسرانتان با اخلاق نیکو معاشرت کنید.

مفسران قرآن تعابیر مختلفی را برای مفهوم آیه بیان کرده‌اند. اما همه تفاسیر

۲- وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً.

۱- اکمل المؤمنین ایماناً احسنهم خلقاً وخیارکم لנساء.

۲- جهاد المرأة حسن التبعل.

در جهت بیان مصادیق معروف، با عرف جامعه نقطه مشترک دارند از جمله صاحب مجمع‌البیان می‌فرماید: در مورد آیه شریفه چنین آمده است: «با آنان درآمیزد و حقوق ایشان، اعم از انصاف در قسمت، نفقه و خوبی سخن و رفتار مورد حکم شارع، ادا شود» (الطبرسی، ۱۴۱۵هـ ج ۲، ص ۷۹). و نیز گفته‌اند «معروف» این است که مرد همسرش را نزند، سخن بد به او نگوید و با او گشاده‌رو باشد. در المیزان می‌فرماید: «معروف» به کاری گویند که در جامعه مجهول نباشد و وقتی با امر معاشرت ضمیمه شود، به این معناست که با زنان به‌طوری معاشرت کنید که مرسوم و عرف است (طباطبایی، ۱۳۹۴، ج ۳، ص ۱۲۴).

حسن معاشرت زن و شوهر و مصادیق آن در قانون مدنی ایران

در حقوق ایران، معنای آیه ۱۹ سوره نساء در ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی در فصل مربوط به (حقوق و تکالیف زوجین نسبت به یکدیگر) وارد شده است. مطابق این ماده «زن و شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگر هستند». به عقیده حقوقدانان، منظور ماده فوق از حسن معاشرت زوجین با یکدیگر در حدود عرف و عادت زمان و مکان می‌باشد. بنابراین زن و شوهر باید با خوشرویی و مسالمت با یکدیگر، زیسته بدون داد و فریاد و ناسزا و مجادله، روزگار بگذرانند (امامی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۴۳۰).

زوجین ضمن نکاح، داوطلب شده‌اند که با هم به سر برند و در غم و شادی شریک هم باشند. همسری زن و مرد بدین معنی است که سلوکشان با هم با خوشرویی، مسالمت و مهربانی آمیخته باشد و از اعمالی که منجر به ایجاد کینه یا غم و اندوه فراوان در دیگری است بپرهیزند (کاتوزیان، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۱۹).

در قانون مدنی ایران، «حسن معاشرت» از سایر حقوق و تکالیفی که زوجین در برابر یکدیگر دارند، جدا نمی‌باشد. لذا مواد ۱۱۰۴ ق.م (همکاری در تشییع میبانی خانواده)، ۱۱۰۵ ق.م (ریاست خانواده)، ۱۱۰۶-۱۱۰۷ ق.م (پرداخت نفقه و میزان آن)، ۱۱۰۸ ق.م (ادای وظایف زوجیت از سوی زن)، ۱۱۱۴ ق.م (نحوه تعیین منزل

مشترک)، ۱۱۱۷ق.م (منع زن از اشتغال به حرفه خاص)، ۱۱۱۸ق.م (استقلال زن در دارایی خود)، موادی مستقل از ماده ۱۱۰۳ (حسن معاشرت) نیستند، بلکه در جهت تعیین مصادیق مفهوم حسن معاشرت می‌باشند و رعایت این حقوق و تکالیف از سوی زوجین جزء عناصر تشکیل‌دهنده این مفهوم است. بین مفهوم حسن معاشرت مندرج در ماده ۱۱۰۳ و موارد فوق، نسبت عموم و خصوص مطلق برقرار است (داور، ۱۳۸۰، ص ۳۳؛ صبری، ۱۳۸۳، ش ۱۵، ص ۱).

به اعتقاد حقوقدانان، دستور حسن معاشرت مندرج در ماده ۱۱۰۳ق.م، صرفاً یک دستور اخلاقی نیست و ضمانت اجرای قانونی دارد؛ ولی به عقیده بعضی شارحین قانون مدنی، مدلول این ماده، ارشادی است و تخلف از آن اثر حقوقی و جزایی ندارد، مگر اینکه سوء معاشرت تشدید شده و منجر به نشوز گردد (حائری، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۹۶۴). اما حقوقدانان در جهت اثبات ضمانت اجرای ماده ۱۱۰۳ق.م، دلایلی آورده‌اند که ثابت می‌کند حسن معاشرت علاوه بر جنبه اخلاقی، دارای پیامد ضمانت اجرا نیز هست.

دلایل حقوقدانان به شرح زیر است:

حقوقدانان با استناد به ماده ۱۱۰۸ق.م (عدم پرداخت نفقه به زن در صورت امتناع از وظایف زوجیت) معتقدند، سوء معاشرت زن، استحقاق او را در دریافت نفقه از بین می‌برد یا سوء رفتار مرد موجب استحقاق زن در درخواست طلاق می‌شود. همان‌طور که ملاحظه می‌گردد، اولاً تکلیف زن در ادای وظایف زوجیت، تکلیفی می‌باشد که در ماده ۱۱۰۸ق.م ذکر شده است و ربطی به ماده ۱۱۰۳ق.م ندارد، مگر اینکه ادای وظایف زوجیت را از مصادیق حسن معاشرت بدانیم که همان ادعای ما می‌باشد.

ثانیاً نشانگر این است که ماده ۱۱۰۳ق.م، به خودی خود ضمانت اجرا ندارد، بلکه تخلف زوجین با توجه به مصادیق آن ضمانت اجرا می‌یابد و چون ضمانت اجرای هر ماده با دیگری متفاوت است، مؤید این ادعا است که مواد مربوط در جهت تبیین تمام یا حداقلی از مصادیق حسن معاشرت است.

ثالثاً- اگر به مواد ذکر شده جدا از ماده ۱۱۰۳ بنگریم؛ زن و مرد اگر یک بار وظیفه و تکلیف خود را انجام دهند، تکلیف از گردن آنها ساقط می‌شود؛ اما اگر این مواد را از مصادیق حسن معاشرت بدانیم، از آنجا که حسن معاشرت باید استمرار داشته باشد و با یک‌بار انجام دادن وظیفه قانونی توسط هر یک از زوجین، نمی‌توان اظهار داشت که زوجین حسن معاشرت دارند، در این صورت مواد بعدی باید تداوم داشته باشد. لذا تداوم، تکرار و استمرار از ضروریات انجام وظیفه قانونی زوجین در مقابل یکدیگر است که حداقلی از میزان حسن معاشرت را نشان می‌دهد.

رابعاً- تنها مواد ذکر شده در قانون، مصداق حسن معاشرت نیست. زیرا طبق اصل ۱۶۷ ق. آ. د. م، که جایگزین ماده ۳ ق. آ. د. م شده است، باید به منابع معتبر اسلامی و فتاوی معتبر نیز رجوع نمود. بنابراین مصادیق حسن معاشرت تنها منحصر در قانون مدنی نیست (داور، ۱۳۸۲، ص ۳۵-۳۷).

مصادیق عمل به معروف از جانب شوهر در کانون خانواده

۱- عمل به معروف با مادر فرزند

«مادران باید، فرزندان خود را ۲ سال تمام شیر دهند، این حکم برای کسی است که بخواهد دوران شیرخوارگی را تکمیل کند. خوراک و پوشاک مادران، به طور شایسته بر عهده پدر است؛ هیچ کس جز به قدر وسعش مکلف نمی‌شود... پس اگر پدر و مادر بخواهند با رضایت یکدیگر کودک را زودتر از شیر بازگیرند، گناهی بر آنان نیست و اگر خواستید برای فرزندان خود دایه بگیرید، بر شما گناهی نیست به شرط آنکه چیزی را که پرداخت آن را به عهده گرفته‌اید، به طور شایسته بپردازید و از خدا پروا کنید^۱ (بقره، ۲۳۳). این آیه شامل عمل به معروف با مادر فرزند از سه جهت می‌شود: ۱- عمل به معروف در تأمین رزق مادر فرزند از

۱- وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُنَّمَّ الرِّضَاعَةَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ... إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا

جانب همسر؛ ۲- عمل به معروف پدر با مادر طفل در صورت عدم توافق بر شیر دادن فرزند؛ ۳- عمل به معروف در مشورت پدر و مادر راجع به مسائل فرزند. مورد سوم، از بحث ما خارج است؛ زیرا بحث ما صرفاً حسن معاشرت به معروف در روابط زوجین می‌باشد.

۲- عمل به معروف در تأمین رزق مادر

با باروری زن و تغییر شرایط جسمی و روحی او، شریعت تهیه مخارج زندگی او را برعهده مرد می‌گذارد و از آن با لفظ «رزق» تعبیر می‌کند؛ زیرا رزق، معنای وسیعی دارد که شامل نیازهای مادی و معنوی زن می‌شود. نیاز معنوی مثل اینکه، پدر شرایط حیات طیبه را ایجاد کند و اعطای حق تعلیم فرزند را به مادر فراهم نماید؛ چرا که خدمت به زن، خدمت به فرزندی است که ثمره زندگی آنها است و در اینجا مادر به مثابه رابطی است که با مباشرت خود، جسم و جان او را در اختیار فرزند قرار می‌دهد؛ پس باید جان و روح مادر، هر دو از جانب پدر تأمین گردد. آوردن کلمه رزق، بلاغت و زیبایی قرآن را نشان می‌دهد (طباطبایی، ۱۳۹۴ هـ ج ۲، ص ۲۵۲-۲۵۳).

قرآن، همچنین با آوردن کلمه رزق، بر نتایج تربیتی و معنوی تغذیه مادر بر کودک تأکید می‌ورزد، زیرا مهم‌تر از تغذیه صحیح مادر، حفظ روحیه مادر است، به طوری که اشتیاق زیاد مادر به تغذیه نوزاد، شیر او را افزایش می‌دهد و بی‌میلی به شیر دادن یا عصبانیت مادر، شیر او را کم می‌کند، پس می‌بینیم که تأمین روحیه مادر، از تأمین نیاز مادی مهم‌تر است، به عنوان مثال علاقه‌ای که شوهر در این دوران به همسر خود نشان می‌دهد، بر شیر مادر بسیار اثر دارد (هاید، ۱۳۷۷، ص ۱۷۳؛ هورنی، ۱۳۸۲، ص ۲۰۲).

سکونت نیز، یکی از مواردی است که معنای رزق را شامل می‌شود، یعنی مادر بچه به محیطی احتیاج دارد که بتواند در آنجا احساس آرامش کند و توجه همسر به زن، نوعی حمایت از حریم نفس و مال و عرض وی است که باعث دلگرمی او

می‌شود. در نتیجه حمایت صحیح پدر اعم از مادی و معنوی موجب می‌شود که مادر طفل خود را به خوبی تربیت کند. اما نکته مهم اینجا است، که قرآن بعد از بیان رزق و کسوه، آن را مقید به معروف کرده است. یعنی پدران باید در تأمین نیاز مادی و معنوی همسر خود، آنچه را که شایسته و متعارف و مناسب حال زن است، در نظر بگیرند، نه سخت‌گیری کنند و نه اسراف (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۱۱۹).

۳- عمل به معروف با مادر طفل در صورت عدم توافق بر شیر دادن

پدر فرزند در صورت عدم توافق مادر بر شیر دادن فرزند، در نظر داشته باشد که احترام به شخصیت مادر برای کودک دارای اهمیت است. و طبق این قسمت آیه *«وَأِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُم بِالْمَعْرُوفِ»* اگر همسر طلاق گیرد و به فرزند شیر ندهد، مرد نه تنها درصدد انتقام‌جویی برنیاید، بلکه با پرداخت اجرت، حقوق معنوی او را که در حقیقت، حفظ احترام او در نزد فرزند است، رعایت نماید یا اگر همسر به خاطر بیماری به طفل شیر ندهد، عمل به معروف اقتضا می‌کند که در طول مدت شیردهی، مراقب حال روحی و روانی مادر باشد (همو، ص ۱۹۰).

۴- عمل به معروف در مراحل طلاق

کلمه معروف در آیات مربوط به احکام طلاق، ۱۲ مورد می‌باشد که این نشان‌دهنده عنایت پروردگار به مسائل حقوقی زنان مطلقه می‌باشد. تکرار این کلمه در بحث طلاق گویای آن است که شوهر باید مصلحت خانواده را در نظر بگیرد و از حقوق خود، سوء استفاده نکند. چند آیه را به طور نمونه ذکر کرده، کاربرد آن را در جامعه تبیین می‌کنیم:

الف - پرداخت کالا به زن در هنگام طلاق: برای طلاق داده‌شدگان، بهره‌ای

است به شایستگی و حقی بر مردم پرهیزگار^۱ (بقره، ۲۴۱).

آیه به استمرار ارتباط انسانی با زنان مطلقه اشاره دارد و می‌فرماید با وجودی که رابطه زوجیت قطع شده، به زن کالایی داده شود. علامه طباطبایی این آیه را شامل تمامی زنان مطلقه می‌داند و معتقد است که هدیه به تمامی زنان مطلقه مستحب است (طباطبایی، ۱۳۹۴ هـ.ج ۲، ص ۲۵۹-۲۶۲)؛ اما عده‌ای دیگر، همچون صاحب تفسیر نمونه، معتقدند ظاهر آیه همه زنان مطلقه را شامل می‌شود، ولی به قرینه آیه ۲۳۶ این حکم در مورد زنانی است که مهری در حین عقد ندارند و قبل از آمیزش، طلاق داده شده‌اند. ایشان احتمال می‌دهد برای تمامی مطلقات است، اما با این تفاوت که در مورد زنان بدون مهر، واجب و در موارد دیگر مستحب است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۲۱۵). قول مشهور همان نظر اول است.

از مجموع کلام مفسران، در مورد «متاع بالمعروف»^۲ چنین بر می‌آید که شایسته است مردی که نفقه همسر خویش را در طول زندگی مشترک بر عهده داشته و حالا به سببی می‌خواهد از او جدا شود، متناسب با نیازهای اساسی او وسایلی مهیا کند که او حداقل همزمان با جدایی از مرد، دچار مشکل نگردد.

ب - عمل به معروف در پرداخت مهرالمتعه به زن مطلقه: «اگر زنان را، مادامی که با آنان نزدیکی یا برایشان مهری معین نکرده‌اید، طلاق دهید، بر شما گناهی نیست که آنان را به طور پسندیده به نوعی بهره‌مند کنید. توانگر به اندازه توان خود و تنگدست به اندازه وسع خود، این کاری است شایسته نیکوکاران»^۳ (بقره، ۲۳۶).

آیه در مورد شخصی است، که در هنگام عقد ازدواج، مهریه‌ای برایش معین نشده است و مرد قبل از شروع زندگی، بخواهد او را طلاق دهد. لذا باید به زن

۱- وَلِلْمُطَلَّاتِ مَتَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ.

۲- متاع معروف، کالایی است که زن بتواند بهره‌وری کامل از آن ببرد، اعم از این که وجه نقد یا کالا باشد.

۳- لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمْسُوهُنَّ أَوْ تَفْرِضُوا لَهُنَّ فَرِيضَةً وَتَعُوهُنَّ عَلَى الْمَوْسِعِ قَدْرَهُ وَعَلَى الْمُقْتِرِ قَدْرَهُ مَتَاعًا بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُحْسِنِينَ.

مهریه‌ای بپردازد که مقدار آن بر حسب توانایی مالی مرد سنجیده می‌شود و به آن مهرالمتعه گویند.

بنابراین مهریه‌ای که مرد به عنوان مهرالمتعه، باید بپردازد کالایی است که مورد بهره‌مندی زن در زندگی و مطابق با مقتضیات فردی و اجتماعی است. هر چند که تصور می‌شود «علی المحسنین» بیانگر مستحب بودن مهرالمتعه است. اما طبق روایات ائمه اطهار، دادن مهرالمتعه واجب است. به عبارت دیگر، احسان در کنار معروف در این آیه قرار گرفته است و هر دو به عملی با صبغه و رنگ الهی تأکید دارند که فراتر از عدالت است: زیرا عدالت اصل است اما عفو غیراصیل است و در بعضی موارد خاص، استفاده می‌شود. از طرف دیگر اضافه شدن قید معروف به کلمه متاع به عنوان «متاع به معروف» جمع شرط و مشروط است، یعنی پرداخت متاعی موردنظر است که مطابق با نیاز اجتماعی زن در هنگام طلاق باشد و زن بتواند از آن بهره‌برد و مرد تنها با رعایت این شرط، از احسان‌کنندگان محسوب می‌شود، البته وضعیت اقتصادی مرد هم مدنظر است (طباطبایی، ۱۳۹۴ هـ، ج ۲، ص ۲۵۶-۲۵۸).

کاربرد این آیه؛ ۱- مهریه‌ای که به زن داده می‌شود، باید مورد بهره‌مندی او بوده و برایش فایده داشته باشد و تا حدودی خسارت وارده به واسطه طلاق را جبران کند، اما سودمندی آن را عرف مردم تعیین می‌کند.

۲- مردی که به امر حق تعالی از روی احسان، کالایی به زن می‌دهد، باید مطابق وسع مالی خودش باشد.

۳- پرداخت مهریه از روی احسان و گذشت مرد صورت می‌گیرد، ولی احسانی است که شرع آن را واجب می‌داند.

ج - رفتار با زن بعد از بازگشت به زناشویی: «طلاق رجعی دو بار ممکن است، پس از آن باید زن را به خوبی نگاه داشت و یا به شایستگی آزاد کرد و بر شما روا نیست که از آنچه به آنان داده‌اید، بازستانید»^۱ (بقره، ۲۲۹).

۱- الطَّلَاقُ مَرَّتَانِ فَإِمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَأْخُذُوا بِمَا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا.

آیه به نکته‌ای در خصوص رجوع مرد در طلاق رجعی، اشاره دارد و اینکه، مرد بعد از اجرای صیغه طلاق، در طول مدت عده نمی‌تواند بیش از دو بار به همسر خود رجوع کند، اگرچه قصد اصلاح هم داشته باشد (طباطبایی، ۱۳۹۴ هـ، ج ۲، ص ۲۴۴).

آیه شریفه، شوهر را مخیر بین امساک یا تسریح می‌کند. امساک به معنای پیوستن بعد از گسستن و بازگشت بعد از جدایی است و تسریح یعنی رها کردن زن.

رمز اینکه امساک با معروف مقید شده و تسریح با احسان، در این است که امساک دو صورت دارد، که اسلام امساک به معروف را جایز دانسته است و آن قسم دیگر، یعنی امساک غیرمعروف را جایز ندانسته است.

در فرض امساک زن، همین مقدار کافی است که نگهداری او به شکل معروف باشد، به عبارت دیگر، منظور مرد از رجوع به زن، اذیت و آزار نباشد (طباطبایی، ۱۳۹۴ هـ، ج ۲، ص ۲۴۴-۲۴۷؛ طبرسی، ۱۴۱۵ هـ، ج ۳، ص ۱۰). نکته آخر اینکه، ملاک تشخیص حسن معاشرت مرد در خانواده، انتساب او به صفت تواضع است. تواضع نشان از خشوع در قلب است که در عمل مرد بروز می‌کند. بر اساس روایات موجود در کتب روایی تواضع و فروتنی و مدارا کردن بهترین نماد ایمان و حسن خلق است.^۱

کاربرد آیه: ۱- در جامعه امروزی، رجوع باید به‌گونه‌ای باشد که منجر به تداوم زندگی شود.

۲- مرد موظف است در بازگشت به زندگی، حسن معاشرت داشته باشد.

۳- قوام حسن معاشرت، به تواضع مرد در مقابل سخن حق زن می‌باشد.

مصادیق عمل به معروف از جانب زن در کانون خانواده

۱- ازدواج زن بعد از فوت شوهر

۱- جهت مطالعه بیشتر بنگرید به: مجلسی، ۱۴۰۲ هـ، ج ۱۷، ص ۴۰۷ و ج ۱۰۲، ص ۲۲۶؛ طوسی، بی‌تا، ص ۵۲۳.

از وظایف خاص زن، حفظ منافع خانوادگی در ابعاد مادی، معنوی و اخلاقی است. وقتی مرد خانواده، فوت کند و زن او هنوز در قید حیات باشد، عملاً وظیفه اصلی مرد در پرداخت نفقه به زن، تمام شده؛ اما وظیفه خاص زن یعنی حفظ حریم خانواده، باقی است. بنابراین زن برای وفا به تعهدی که در آغاز ازدواج نموده باید، مراقب اختلال نسب باشد. طبق روایات، زنان موظفند در این مدت، شکل سوگواری خود را حفظ کنند. «کسانی از شما که می‌میرند و همسرانی بر جای می‌گذارند، همسران چهارماه و ده روز انتظار می‌برند، پس هر گاه عده خود را به پایان رسانند، در آنچه آنان به نحو پسندیده درباره خود انجام دهند، گناهی بر شما نیست»^۱ (بقره، ۲۳۴).

نگه داشتن عده، عمل به معروف است و بعد از عده می‌توانند به ازدواج مجدد اقدام نمایند.

۲- عمل به معروف از جانب زوجه در صورت عدم پرداخت نفقه به زن

در صورتی که مرد نفقه زوجه را نپردازد، در روایات پیامبر اکرم (p) به زن اجازه داده شده به مقدار نیاز خود از اموال مرد برداشت نماید. البته توجه به اصل معروف در این زمینه ضروری است؛ به گونه‌ای که موجبات ضرر و زیان مرد را فراهم نیاورد و در رفع نیاز خود وسیع مالی و تنگدستی مرد را در نظر گیرد (مجلسی، ۱۴۰۳هـ، ج ۷۲، ص ۲۲۱).

عمل به معروف از جانب زن و شوهر

۱- بازگشت زن و شوهر به زندگی مشترک

«چون زنان را طلاق گفتید و عده خود را به پایان رساندند، آنان را با ازدواج سابق خود، چنانچه به خوبی با یکدیگر تراضی نمایند، جلوگیری نکنید»^۲ (بقره، ۲۳۲).

۱- وَالَّذِينَ يَتُوفُونَ مِنْكُمْ وَ يَذُرُونَ أَرْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ

بِالْمَعْرُوفِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ.

۲- وَإِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَلْيُغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا تَعْضُلُوهُنَّ أَنْ يَنْكِحْنَ أَزْوَاجَهُنَّ إِذَا تَرْضَوْنَ بَيْنَهُمْ.

این آیه در مورد بازگشت زن و شوهر به زندگی مشترک، بعد از طلاق می‌باشد. آیه ولایت اولیای زن را در این مسأله نمی‌پذیرد و اطرافیان را ارشاد می‌کند که اگر زن و مرد به رجوع توافق دارند، مانع پیوند دوباره ایشان نشوند. در این آیه رضایت زن و شوهر در صورت رعایت معروف، مقبول شمرده شده و لذا در اینجا به خصوصیت خاص و عام معروف اشاره دارد.

خصوصیت خاص آن این است که زن و مرد در بازگشت به زندگی قبلی، خودشان تصمیم بگیرند و مرد قصد رجوع به زن داشته باشد؛ اما ویژگی عام آن، عبارت است از اینکه زن و مرد قلم عفو بر خطاهای طرف مقابل بکشند و از سهل‌انگاری خویش، عذر تقصیر بخواهند (طباطبایی، ۱۳۹۴ هـ ج ۲، ص ۲۵۰-۲۵۳؛ زمخشری، ۱۴۱۵ هـ ج ۱، ص ۱۰).

کارکردهای اصل معروف در سیره نبوی

اصل معروف از مهم‌ترین اصول حاکم بر خانواده می‌باشد که علاوه بر آیات قرآن، در روایات نیز مورد توجه قرار گرفته است.

رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «معروف و اهلش نخستین وارد به بهشت و نخستین وارد بر من در کنار حوض کوثر هستند»^۱ (الحر العاملی، ۱۴۰۴ هـ ج ۱۶، ص ۳۰۳؛ انصاریان، ۱۳۷۹، ص ۲۴۲).

امام صادق علیه السلام نیز فرموده است: «برای بهشت دری هست به نام معروف، از آن در جز اهل معروف وارد نمی‌شوند و اهل معروف در دنیا، اهل معروف در آخرتند»^۲ (الحر العاملی، ۱۴۰۴ هـ ج ۱۶، ص ۳۰۴).

رسول خدا ﷺ هم چنین فرموده است «هر معروفی صدقه است»^۳.

کاربرد این اصل در سیره نبوی و سراسر زندگی پر برکت پیامبر خاتم ﷺ

۱- اول من یدخل الجنة المعروف و اهله و اول من یرد علی الحوض.

۲- ان للجنة باباً یقال له: المعروف لا یدخله الا اهل المعروف، و اهل المعروف فی الدنيا هم اهل المعروف فی الاخرة.

۳- کل معروف صدقه.

عملاً در رفتار ایشان با همسرانشان ترسیم شده است. حضرت در آخرین لحظات حیات خود وصایایی را خطاب به مردان جامعه می‌فرماید:

«زن‌ها را؛ از خدا غافل مباشید و خدا را فراموش نکنید و درباره زنان نیکی کنید و حقوق آنها را ادا نموده و ظلم روا مدارید اینان در خانه شما به سر می‌برند، در کفالت شما هستند و با میثاق و پیمان الهی آنها را به همسری برگزیدید، اینک آن پیمان را از خاطر مبرید»^۱.

رسول خدا ﷺ فرمود: «همانا تمام زنان در برابر مردان، دارای سود و زیانی برای خویش نمی‌باشند اما این را بدانید که آنها امانت‌های خداوند در دست شوهران خود می‌باشند و مردان حق ندارند به آنها ضرر و زیانی رسانده و حقوق آنان را فراموش کنند»^۲ (الحرالعالمی، ۱۴۰۴هـ ج ۱۶، ص ۳۱۰).

نیز رسول حق (p) فرموده است: «کسی که زن می‌گیرد، باید او را احترام کند»^۳ (عسگری، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۹۲-۹۳).

در سیره نبوی شاهد هستیم که پیامبر اسلام ﷺ همسران خود را بسیار احترام و تکریم می‌کردند به خصوص برای حضرت خدیجه احترام خاصی قائل بودند چنان که حتی پس از مرگ آن بانوی بزرگوار نیز حرمت ایشان را نگه می‌داشتند، پیوسته از ایشان به نیکویی یاد می‌کردند و با خویشان و دوستان حضرت خدیجه رفتار بسیار احترام‌آمیزی داشتند.

[عایشه] حکایت کرده است: روزی هاله، دختر خویلد، خواهر خدیجه از پیغمبر خدا ﷺ اجازه خواست تا وارد شود و آن حضرت را دیدار کند. رسول خدا ﷺ که گویی با شنیدن صدای هاله به یاد صدای خدیجه افتاده بود، حالش به شدت دگرگون گردید و بی‌اختیار گفت: «آه خدایا! هاله!»، من که از رفتار پیغمبر شک و حسادتم به خدیجه سخت تحریک شده بود، بلافاصله گفتم: چقدر از آن پیرزن

۱- الله الله فی النساء إتهن عوان عندکم و فی ابیدکم...

۲- إرن النساء عند الرجل لا یملکن لأنفسهن ضراً ولا نفعاً و إتهن امانه الله عندکم، فلا تضاروهن ولا تعضوهن.

۳- من آتخذ زوجة فلیکرها.

بی‌دندان قرشی یاد می‌کنی؟! مدت‌هاست که او مرده و خدا بهتر از او را به تو ارزانی داشته است!... در این حالت رسول خدا ﷺ فرمود: نه هرگز خداوند نیکوتر از او را به من عوض نداده است. زیرا هنگامی که همه مردم منکر رسالتم بودند، خدیجه به من ایمان آورد و در آن وقت که دروغگویم می‌پنداشتند، خدیجه مرا تصدیق کرد و آن زمانی که مردم مرا در مضیقه مالی گذاشته بودند، خدیجه مرا شریک دارایی بی‌حسابش گرداند و در حالی که خداوند مرا از زنان دیگر بی‌بهره کرده بود، از خدیجه به من فرزندان ارزانی داشت (همو، ص ۹۳).

در سیره نبوی شاهد موارد دیگری هم هستیم که رسول‌الله ﷺ در برخورد با همسرانشان رعایت نموده و به دیگران نیز توصیه می‌نمودند:

رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: «بهترین و کامل‌ترین شما، از نظر ایمان کسی است که علاوه بر اخلاق نیکو، با خانواده‌اش مهربان باشد»^۱ (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ، ج ۱۰۳، ص ۲۲۶).

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «محبت ورزیدن به همسران، از جمله اوصاف پیامبران است»^۲ (الحر العاملی، ۱۴۰۴ هـ، ج ۷، ص ۱۱؛ النوری الطبرسی، ۱۴۱۱ هـ، ج ۱۴، ص ۲۴۹).

امام علی علیه السلام نیز فرموده است: «زن گل است و قهرمان نیست، با زن‌ها در هر حالی مدارا کنید و به آنها با زیبایی سخن بگویید، شاید اعمال اشتباه خود را اصلاح کنند»^۳ (الصدوق، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۵۵۴).

ابی‌عبدالله علیه السلام می‌فرماید: «معلون است، ملعون زنی که شوهرش را اذیت کند و خوشبخت زنی است که اکرام کند همسرش را و او را اذیت نکند و همسرش را در همه احوال اطاعت کند»^۴ (النوری الطبرسی، ۱۴۱۱ هـ، ج ۱۴، ص ۲۴۹).

۱- ان اکمل المؤمنین ایماناً احسنهم خلقاً و خیارکم نساءهم.

۲- من اخلاق الانبیاء، حب النساء.

۳- قال امیر المؤمنین علیه السلام: المرأة و لیست بقهرمانه فداروهن علی کل حال و احسنوا لهن المقال لعلهن یحسن النعال.

۴- ملعونه، ملعونه، امرأة تؤذي زوجها و سعیده سعیده امرأة تکرّم زوجها و لا تؤذیه و تطیعه فی جمیع احواله.

ابن کثیر مفسر اهل سنت با توجه به روایات فوق، مصادیق معاشرت به معروف را چنین برمی‌شمارد:

معاشرت به معروف یعنی با همسرانتان خوش زبان و خوش رفتار باشید، خود را بیارایید - به اندازه توانایی - همان‌سان که دوست دارید همسرانتان خود را برای شما بیارایند، شما نیز همان کنید که از همسرانتان می‌پسندید (ابن‌کثیر، ۱۴۱۷هـ ج ۱، ص ۴۶۶).

قرطبی در تفسیر خود می‌نویسد:

«حسن معاشرت با زنان به این است که مرد حقوق زن از مهر و نفقه را به طور کامل بپردازد و در برابر زن بدون سبب و تقصیر و گناه، رو ترش نکند، در سخن گفتن گشاده‌روی باشد، نه سخت دل و بد زبان، و به کس دیگری اظهار تمایل نکند. خداوند حسن معاشرت با زن عقد کرده را سفارش کرده است تا ادامه زندگی و مصاحبت و هم‌زیستی ایشان کامل باشد، چه آنکه حسن معاشرت، روان را آرام‌تر و زندگی را گواراتر می‌سازد» (قرطبی، ۱۴۰۵هـ ج ۵، ص ۹۷).

زمخشری و فخر رازی نیز عدالت در هم‌خوابی میان زنان - اگر مرد بیش از یک همسر داشته باشد - پرداخت نفقه زن و خوش‌زبانی را از مصادیق‌های معروف برشمرده‌اند (زمخشری، ۱۴۱۵هـ ج ۱، ص ۴۹؛ فخر رازی، ۱۴۱۵هـ ج ۱۰، ص ۱۲).

شیخ طبرسی سه نظریه را در نمونه‌های عملی معروف با توجه به سیره عملی معصومان علیهم‌السلام نقل می‌کند:

۱- انصاف و میانه‌روی در تقسیم هم‌خوابی و نفقه - آن‌گاه که مرد بیش از یک همسر داشته باشد - نیک رفتاری و خوش‌گفتاری است.

۲- کاری انجام ندهد که سبب زیان همسر گردد، زشت به او نگوید و با گشاده‌رویی با او برخورد کند.

۳- همان‌گونه که مرد می‌پسندد همسرش با او رفتار داشته باشد، با همسرش رفتار کند و خویشتن را بیاراید (طبرسی، ۱۴۱۵هـ ج ۲، ص ۲۴).

شیخ طوسی نیز معاشرت به معروف را ادای حقوق واجب زن بر مرد دانسته است (طوسی، ۱۴۱۹هـ ج ۳، ص ۱۵۰). و می‌افزاید: اسحق بن عمار به نقل از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند:

«از امام صادق علیه السلام پرسیدم: حق زن بر شوهرش چیست؟ که اگر آن را انجام دهد نیکوکار (و معاشرت به معروف) خواهد بود؟ امام فرمود: او را سیر کند، بپوشاند و از لغزش‌هایش بگذرد»^۱ (الحرالعالمی، ۱۴۰۴هـ ج ۴، ص ۱۳۱).

در صحیح هاشم بن عبدربه از امام صادق علیه السلام آمده است: به ابو عبدالله امام صادق علیه السلام گفتم: حق زن بر شوهرش چیست؟ فرمود: سد جوع، پوشاندن عورت زن و اینکه در برابر زن چهره درهم نکند، پس هر گاه این کارها را انجام دهد، سوگند به خدا حق زن را ادا کرده است. حتی در آرای فقها در نوع نفقه می‌افزاید: مرد باید عائله‌اش را از میوه فصل بخوراند (نجفی اصفهانی، ۱۹۸۱م، ج ۳۱، ص ۳۳۱).

برشماری نمونه‌های رفتار و معاشرت به معروف از سوی فقیهان و مفسران در شماری از روایات و سنت، به معنای محدود کردن مصادیق معروف در این نمونه‌ها نیست، زیرا آنها خود نیز چنین ادعایی نکرده‌اند.

افزون بر این، عرف و سنت جامعه‌ها و ملت‌ها در گذر زمان در نحوه خوراک، پوشاک، مسکن، لوازم منزل، زیور آلات و ضرورت‌های زندگی، آداب و معاشرت و... دچار دگرگونی و تغییر می‌شود، پس تعیین همه نمونه‌های معاشرت به معروف بایسته نمی‌نماید.

تعاریفی که از حسن معاشرت ارائه شد، به طور اجمال گویای این مطلب است که اگر زوجین با یکدیگر بدرفتاری و خشونت نکنند و موجب آزار و اذیت یکدیگر نشوند، در واقع با یکدیگر حسن معاشرت دارند. در خصوص اینکه اصولاً چه مواردی حسن خلق محسوب می‌شوند و مصادیق حسن خلق کدام است، حقوقدانان به عرف احاله داده‌اند؛ حسن سلوک، مفهوم عرفی دارد و بر حسب زمان و مکان، آداب و رسوم اقوام، طوایف و خانواده‌ها فرق می‌کند. عادات و

۱- قلت لأبي عبدالله عليه السلام: ما حق المرأة على زوجها اذا فطه كان محسنًا؟ قال: يشبعها ويكسوها وان جهلت غفر لها.

رسوم اجتماعی و درجه تمدن، فرهنگ و نیز اخلاق مذهبی و رفتاری در میان هر قوم مفهوم خاصی از حسن معاشرت به وجود می‌آورد (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۱۵۹). لوازم حسن معاشرت را به دقت نمی‌توان تعیین کرد و علاوه بر این، همه حقوقدانان اعتراف دارند که در حریم خانه نفوذ قانون و التزام برای تحقق مفاد آن، بدون پشتوانه اخلاقی، امری غیرممکن است. ولی به اجمال می‌توان گفت تمام اموری که از نظر اجتماعی، توهین محسوب می‌شود (مانند ناسزاگویی، مشاجره و تحقیر) یا اموری که با عشق به خانواده و اقتضای محبت بین دو همسر، منافات دارد (مانند ترک خانواده، بی‌اعتنایی به همسر و خواسته‌های او، و اعتیاد مضر) از مصادیق سوءمعاشرت در خانواده است.

یافته‌های پژوهش

خانواده از بنیادی‌ترین نهادهای اجتماعی است که سلامت فکری و رفتاری آن در تحکیم عقاید و آرامش روانی اعضای خانواده و نهایتاً آحاد جامعه مؤثر است. یکی از سیاست‌های کلان قرآن کریم در نظام حقوقی خانواده تحقق اصل حسن معاشرت به معروف است. جهت تحقق این اصل باید حوزه معنایی عرف و معاشرت به معروف را شناخت. یکی از گزاره‌های معروف، انطباق با فطرت سلیم و الهی انسان‌ها می‌باشد. لذا برای تشخیص مصادیق معروف نه تنها باید به گرایش انسانی بلکه به زوایا و قلمرو شرعی و الهی معروف توجه نمود. حسن معاشرت به معروف در ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک اصل ضروری جهت تحکیم مبانی خانواده معرفی می‌شود که آیات و روایات متعددی که ذکر شد، مبانی این اصل ارزشمند را تشکیل می‌دهند.

حسن معاشرت به معروف مبتنی بر اصل مودت و رحمت است. مودت و رحمت زمانی حاصل می‌شود که زوجین عامل سکینه قلب و ایجاد امنیت روانی یکدیگر باشند. در حقیقت تقدم واژه «*اتسکنوا*» بر واژه‌های مودت و رحمت حاکی از این است که زوجین باید اول تعامل فکری و رفتاری داشته باشند و خانه را محل

امنی برای خود و فرزندان سازند تا به سایه رحمت و مودت الهی نایل آیند. این امر در پرتو عمل به آیه شریفه «وَلَا تَسْأَلُوا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ» میسر می‌باشد. یعنی، فراتر رفتن از مرزهای حقوقی و نایل شدن به مکارم اخلاقی. فضل به معنای زیادتى است؛ به این معنی که زوجین برای یکدیگر حقوقی را با دیده فضل ترسیم نمایند و زیاده از حق به طرف مقابل خود اعطا کنند که این رمز بقای خانواده خواهد بود.

منابع و مأخذ

- ✓ **القرآن الکریم**
- ✓ ابن بابویه قمی، ابی جعفر علی ابن الحسین (شیخ صدوق)، **من لایحضره الفقیه**، قم، جماعه المدرسین، ۱۳۶۳
- ✓ ابن فارس، ابی الحسن احمد، **معجم مقاییس اللغه**، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴هـ
- ✓ ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، **تفسیر القرآن العظیم**، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۷هـ
- ✓ امامی، سیدحسن، **حقوق مدنی خانواده**، تهران، کتابفروشی اسلامی، ۱۳۷۲
- ✓ انصاریان، حسین، **نظام خانواده در اسلام**، تهران، ام ابیها، ۱۳۷۹
- ✓ پاینده، محمد، **نهج الفصاحه**، تهران، نشر اقبال، ۱۳۶۴
- ✓ جعفری لنگرودی، محمدجعفر، **حقوق خانواده**، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۲
- ✓ حائری شاهیباغ، علی، **شرح قانون مدنی**، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۶
- ✓ الحرالعاملی، محمدبن الحسن، **وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه**، طهران، مکتبه الاسلامیه، چاپ ششم، ۱۴۰۴هـ
- ✓ داور، زهرا، **حسن معاشرت از دیدگاه قانون مدنی و جامعه**، تهران، شورای فرهنگی - اجتماعی زنان، ۱۳۸۲
- ✓ دهخدا، علی اکبر، **لغت نامه**، زیر نظر دکتر محمد معین و دکتر جعفر شهیدی، دانشگاه تهران، ۱۲۵۸-۱۳۳۴
- ✓ رشیدرضا، محمد، **تفسیر القرآن الکریم (تفسیر المنار)**، بیروت، دارالمعرفه، ۱۹۹۵م
- ✓ زحیلی، وهبه، **التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعه و المنهج**، دمشق، دارالفکر، ۱۴۱۱هـ
- ✓ همو، **الفقه الاسلامی و ادلته**، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۲هـ

- ✓ زمخشری، محمودبن عمر، *الکشاف*، قم، نشر البلاغه، چاپ دوم، ۱۴۱۵هـ
- ✓ صبری، نورمحمد، «*حسن معاشرت زوجین*»، تهران، مجله دادگستر، ۱۳۸۳
- ✓ طباطبایی، محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۹۴هـ
- ✓ الطبرسی، فضل بن الحسن، *مجمع البیان*، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۵هـ
- ✓ الطوسی، ابن جعفر محمدبن الحسن، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۹هـ
- ✓ همو، *المبسوط فی الفقه الامامیه*، تهران، المكتبه المرتضویه، ۱۳۸۷
- ✓ همو، *امالی*، تهران، نشر مرتضی، بی تا
- ✓ عسگری، مرتضی، *نقش عایشه در تاریخ اسلام* (دوران پیامبر تا پایان خلافت)، قم، مجمع علمی اسلامی، ۱۳۸۳
- ✓ فخر رازی، محمودبن عمر، *التفسیر الکبیر*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵هـ
- ✓ قرطبی، احمدبن محمد، *الجامع لاحکام القرآن*، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۵هـ
- ✓ کاتوزیان، ناصر، *حقوق مدنی خانواده*، تهران، نشر یلدا، ۱۳۷۵
- ✓ مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳هـ
- ✓ مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ بیست و نهم، ۱۳۷۶
- ✓ نجفی اصفهانی، محمدحسن، *جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام*، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۹۸۱م
- ✓ النوری الطبرسی، محمدحسین، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، بیروت، مؤسسه آل البیت الاحیاء التراث العربی، ۱۴۱۱هـ
- ✓ هاید، جانث شیبلی، *روانشناسی زنان*، ترجمه بهزاد رحمتی، تهران، لادن، ۱۳۷۷

دوفصلنامه علمی - ترویجی فقه و حقوق خانواده (ندای صادق) / بهار و تابستان ۱۳۸۷ / سال سیزدهم / شماره ۴۸

- ✓ هورنی، کارن، *روانشناسی زنان*، ترجمه سهیل سمی، تهران، ققنوس، ۱۳۸۲
- ✓ مبارک، زکی، *الاخلاق عند الغزالی*، قاهره، دارالشعب، بی تا